

حقوق بشر، قربانی شکنندگی عدالت کیفری بین‌المللی

صالح نقره کار، وکیل دادگستری و فعال مدنی



۱. در چند ماه اخیر نظم عدالت کیفری بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات بین‌المللی شکل گرفت، با یک چالش مبنایی مواجه شد. باوری که نیست و ادعایی که هست! شگفتانه‌های ترامپ، این مزیت را داشت که نورافکنی بر اندیشه‌ها انداخت و فهمانید شعار حقوق بشر خواهی غربی، زینت بخش نطق بی‌روح محافل قدرت پرستان است و بس. مشکل آمریکا با دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل نبود. مشکل اصلی با حقوق بشر هست. قدرت پرستان همه انسان‌ها را بهره‌مند از حقوق بشر نمی‌دانند.

۲. غرب معتاد به تحریم، حالا دست به کار دیوان کیفری شد. فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی برخی دولت‌های قدرتمند علیه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرسش‌های جدی درباره استقلال، کارآمدی و حتی بقای این سازوکارها مطرح کرده است. این وضعیت، نه صرفاً یک اختلاف سیاسی، بلکه نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت در نظم عدالت کیفری بین‌المللی است. فاجعه است اگر حقوق بشر و مناسبات بین‌المللی دستمایه سازوکارهایی باشد که خود وسیله تحت سلطه یا ابزار مورد تهدید قدرتهای زورگو باشند.

۳. سرکوب دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری را می‌توان در چند سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد. در سطح حقوقی-نهادی اعمال تحریم‌ها، تهدید به تعقیب قضایی کارکنان دیوان، لغو یا محدودسازی روادید قضات و دادستان‌ها یک گروکشی برای زدن زیر میز بازی به نفع قدرت هاست. عدم همکاری عامدانه با تحقیقات دیوان و بی‌اعتنایی به درخواست‌های رسمی آن بازتابی از قلدری قدرت‌ها به نفع سیاسی کاری‌های پسند خودشان است. در سطح سیاسی-دیپلماتیک اعمال فشار بر دولت‌ها برای عدم همکاری با دیوان و تلاش برای بی‌اعتبارسازی

گزارشگران ویژه سازمان ملل، از جمله گزارشگر وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین یک لکه ننگ بر دامن ترامپ و هم‌دستان اوست .

۴. یادمان نمی‌رود که مقامات آلمانی طی جنگ ۱۲ روزه تحمیلی به ایران عزیز، به صراحت گفتند اسرائیل پیمانکار کارهای کثیف ماست. یعنی ما در نتیجه با او همدلیم ولی دست او خونین و سیاه است و ما خارج‌گود منتظر حصول مطامع خویشیم! حقیقتاً غرب در سطح گفتمانی و رسانه‌ای با القای این تصور که دیوان ابزاری «سیاسی» یا «جانبدارانه» است منتج به تضعیف اعتماد افکار عمومی جهانی به سازوکارهای عدالت بین‌المللی شد. این مجموعه اقدامات را می‌توان نوعی سرکوب ساختاری عدالت بین‌المللی دانست که هدف آن نه اصلاح، بلکه مهار یا فلج‌سازی نهادهای مستقل است.

۵. اما نهادینه‌شدن بی‌کیفرمانی عارضه‌ای است که برای مرتکبان جنایات بین‌المللی، به‌ویژه صاحبان قدرت سیاسی و نظامی رقم می‌خورد. تضعیف اصل برابری در مصاف موازین بین‌المللی و ایجاد استانداردهای دوگانه، پژواک فرسایش اعتبار حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان نظامی مبتنی بر قواعد و نه موازنه قواست. ارسال این پیام خطرناک که «قدرت» می‌تواند جایگزین «مسئولیت» شود و تضعیف تلاش‌های داخلی برای تعقیب جنایات سنگین بر اساس صلاحیت جهانی، رخدادی نیست که به راحتی از چشم عدالت‌خواهان بین‌المللی دور بماند.

۶. محدود شدن فضای کنشگری حقوق بشری و افزایش سرکوب فعالان مدنی در شرایطی که دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌اند، حقیقت رخ داده است اما همچنان این ظرفیت‌ها کاملاً از کار نیفتاده‌اند. تجربه نشان داده است که استمرار مستندسازی، صدور گزارش‌های مستقل، و ثبت حقوقی جنایات در صورت عدم اجرای فوری عدالت می‌تواند در بلندمدت زمینه پاسخگویی را فراهم کند. عدالت کیفری بین‌المللی اغلب «کند» است، اما الزاماً «منتفی» نیست. قلب‌ها و روایت افکار عمومی جبهه‌ای است که نباید از دست داد .

۷. جهان بر مسیر حق است و این اراده خداوندگار است. تقویت همبستگی میان دولت‌های حامی حقوق بین‌الملل و حمایت سیاسی، مالی و حقوقی از استقلال دیوان کیفری بین‌المللی و گزارشگران سازمان ملل، استفاده از صلاحیت جهانی در نظام‌های حقوقی ملی، افزایش نقش جامعه مدنی، دانشگاهیان و رسانه‌های مستقل در افشای فشارها و روایت‌سازی حقوقی مبتنی بر اسناد جلوه‌هایی از روندهای مثبت هستند، فلذا باید از عادی‌سازی تضعیف عدالت بین‌المللی جلوگیری کرد. کنشگری قابل تجویز برای نهادهای رسمی و جامعه مدنی ایران با حمایت اصولی و

مستمر از استقلال دیوان کیفری بین‌المللی و سازوکارهای حقوق بشری و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای طرح موضوع بی‌کیفرمانی در مجامع بین‌المللی یک راهبرد خوب برای ایران است. کشوری که از دو جنگ تحمیلی سر بر آورده و باید مقاوم و استوار به ارتقای حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و حقوق بی‌الملل به شیوه ای ملی و بومی همنشین با تنوع فرهنگی بپردازد.

۸. مفهوم سازی و تلاش تبیینی روایت صحیح از وضعیت حقوق بشر یک وظیفه وجدانی است. تولید ادبیات حقوقی مستند درباره جنایات بین‌المللی و فشار بر نهادهای عدالت، برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و انتشار گزارش‌های تحلیلی، پیوند با شبکه‌های حقوق بشری منطقه‌ای و جهانی و بین جهان اسلام برای ما ایرانیان آسیب خورده از ستمگران یک بایسته است .

۹. در کشاکش عمیق میان منطق «قدرت» و منطق «حق» در نظام بین‌الملل باید ادراک کرد که آینده عدالت کیفری بین‌المللی نه از پیش تعیین شده، بلکه وابسته به میزان مقاومت حقوقی، اخلاقی و مدنی در برابر روند های حقوق بشر سوز است. سکوت و بی‌حرکی، خود شکلی از همراهی با بی‌عدالتی است.

۱۰. یکجانبه گرایی و گردن کلفتی، بافت و شخصیت سلطه گران است. اما صدا بخشیدن به قربانیان نقض حقوق بشر و اینکه قربانی دچار بزه دیدگی ثانویه نشود و صدای مظلوم به محاق نرود یک متابعت وجدانی است که روایت گران حقیقت باید بدان دست یازند و کمر همت بندند. به تعبیر نغز مولانا در مثنوی: چاه مظلّم گشت ظلم ظالمان. این چنین گفتند جمله عالمان. هر که ظالم تر چش با هول تر. عدل فرمودست بتر را بتر. ای که تو از جاه ظلمی می‌گنی. دانک بهر خویش چاهی می‌گنی. گرد خود چون کرم پيله بر متن. بهر خود چه می‌گنی اندازه کن. مر ضعیفان را تو بی‌خصمی مدان. از نبی ذا جاء نصر الله خوان.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴